

افلاص

گزیده برخی از بیانات امام خامنه ای

اخلاص و احساس تکلیف

یک نکته‌ی اساسی در اینجا وجود دارد که همه‌ی ما باید به آن توجه کنیم - بنده بیشتر از شما به توجه به این نکته احتیاج دارم؛ همه‌ی شما هم به اقتضای مسئولیت، احتیاج دارید - و آن، احساس تکلیف است؛ اخلاص نیت و عمل برای خداست. این اگر شد، همه‌ی مشکلات حل خواهد شد، همه‌ی راه‌ها گشاده خواهد شد؛ این اگر شد، رحمت الهی و کمک الهی شامل حال خواهد شد؛ «ان تتقوا الله يجعل لكم فرقانا» (۱) - همین آیاتی که الان تلاوت کردند - این اگر شد، توهم غلط انهزام در مقابل دشمن و تسلط دشمن از بین خواهد رفت. توکل به خدا، ارتباط با خدا - که ناشی از این نیت خالص است - همه‌ی مشکلات را حل میکند. انقلاب هم همین جور پیروز شد. اگر امام بزرگوار ما - که حقیقتاً رهبر به تمام معنیالکلمه بود - این توکل را، این اخلاص را نداشت، قطعاً این انقلاب پیروز نمیشد. اگر مردمی که آمدند توی میدان، نخبگانی که مردم را کشاندند وسط میدان، این اخلاص را، این کار برای خدا را نمیداشتند، کار پیش نمیرفت. در دوران دفاع مقدس هم همین جور بود. فرمودند که عده‌ی زیادی از شماها در دوران دفاع مقدس بودید؛ خب، آنهایی که بودند، از نزدیک میدانند که چه بود و چگونه بود و چه خبر بود. راز اصلی این است: دنبال تکلیف باشیم، دنبال کسب رضای الهی باشیم. اگر با نگاه تاجرانه به زندگی نگاه کنیم، باز نتیجه همین است. بنده سالهای پیش مکرر میگفتم که شهادت در راه خدا، مرگ تاجرانه است؛ یعنی مرگ سودمحور است. واقعاً همین جور است. آن کسی که در راه خدا شهید نمیشود، این جانی را که به عاریت به ما سپرده‌اند، در راه خدا نمیدهد، بالاخره نمیتواند این را نگه دارد؛ خواهد داد؛ چه بهتر که این روغن ریخته، نذر امام‌زاده شود؛ چه بهتر که این امر ناگزیر - مرگ که یک حادثه‌ی ناگزیر برای ماست - وسیله‌ی سعادت ما بشود؛ وسیله‌ی برخورداری ما در زندگی واقعی، از لطف الهی. واقعاً شهادت، مرگ تاجرانه است.

عین همین قضیه در مورد تلاشهای دنیائی ماست. اگر ما از پول بگذریم، از تمتعات و هوسهای بیمورد و حرام بگذریم، کار تاجرانه کرده‌ایم و سود برده‌ایم؛ چون خدای متعال به خاطر این

گذشت، آنچنان پاداشی به ما خواهد داد که همهی آنچه که ممکن بود در این تمتعات به دست بیاوریم، در مقابل آن، صفر و زیر صفر است؛ هیچ است. کار برای خدا اینجوری است. به نظر من این، اساس قضایای ماست.

۲۴/۰۳/۱۳۹۱

بیانات در دیدار نمایندگان مجلس نهم

اخلاص و بصیرت

همهی ما باید این ارکان را روزه‌روز در خودمان تقویت کنیم جوانان عزیز! بارها گفتیم که در درجه‌ی اول، روحیه‌ی اخلاص و روحیه‌ی بصیرت است. این اخلاص و بصیرت روی هم اثر می‌گذارند. هرچه بصیرت شما بیشتر باشد، شما را به اخلاص عمل نزدیکتر میکند. هرچه مخلصانه‌تر عمل کنید، خدای متعال بصیرت شما را بیشتر میکند. «اللّٰهُ وَلِيّ الَّذِينَ آمَنُوا يُخْرِجُهُم مِّنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ»؛ خدا ولی شماست. هرچه به خدا نزدیکتر شوید، بصیرت شما بیشتر خواهد شد و حقایق را بیشتر می‌بینید. نور که بود، انسان می‌تواند واقعیات و حقایق را مشاهده کند. وقتی نور نباشد، انسان واقعیات را هم نمی‌تواند ببیند؛ «وَالَّذِينَ كَفَرُوا أَوْلِيَاءَهُمُ الطَّاغُوتُ يُخْرِجُونَهُم مِّنَ النُّورِ إِلَى الظُّلُمَاتِ». وقتی طغیان جلوی چشم انسان را بگیرد، وقتی هوی‌های نفس - که طاغوت حقیقی‌اند و در وجود خود ما بدتر از فرعونند - جلوی چشم ما را بگیرند، وقتی جاه‌طلبی‌ها و حسادتها و دنیاطلبی‌ها و هوی‌پرستی‌ها و شهوترانی‌ها جلوی چشم ما را بگیرند، واقعیات را هم نمی‌توانیم مشاهده کنیم. ۱۷/۱۰/۱۳۸۹

تعریف اخلاص

عزیزان من! امام، آن کاری که کرد - و عظیم‌ترین کاری بود که ما در زمان معاصر و نزدیک خودمان سراغ داریم - به برکت اخلاص بود؛ اخلاص! اگر اخلاص نبود، شخصیت عظیم و جوهر مستحکم امام هم برای این که این کارها را پیش ببرد، کافی نبود. یک حکومت فاسد و ریشه‌داری را که همه قدرتهای استکبار هم از آن حمایت می‌کردند، از این سرزمین، از بیخ و بن برگند؛ مردم

را از شرّ آن حکومت راحت کند و یک حکومت الهی به وجود آورد! آن همه فساد را در جامعه با همین حرکت از بین ببرد و نفوذ دشمنان و تسلط امریکا را که دو قرن در تحقیر ملت ایران کوشیده بودند و در عقب نگه‌داشتنش سعی بلیغ داشتند، قطع کند! اینها کارهای کوچکی نیست. بعد از پیروزی هم یک جنگ هشت ساله را که درواقع، همه قدرتهای مسلح دنیا پشتیبان جبهه مقابل ما بودند، با پیروزی ملت ایران تمام کند و این همه توطئه‌ها را خنثی نماید. این، جز به برکت اخلاص امام، ممکن نبود. بعد هم که از دنیا می‌رود، نه میلیون انسان در خیابانهای تهران، او را مشایعت کنند، تا در مضع و مقام ابدی، به خاکش بسپارند! اینها به برکت اخلاص بود. امروز هم بحمدالله، روزبه‌روز نام امام در دنیا بلندتر میشود و علاقه‌مندان و ارادتمندان او در اکناف عالم، روبه‌تزیادند.

اخلاص یعنی چه؟ اگر اخلاصی را که امام داشت و مایه آن، در دل همه شما هست - و مختصراً معنا خواهم کرد - شما هم داشته باشید، ما هم داشته باشیم، دست‌اندرکاران هم داشته باشند، امروز هم تمام توطئه‌های دشمن، نقش بر آب خواهد شد! آن سلاحی که هیچ دشمن مادی، قادر به مقابله با آن نیست، سلاح ایمان مخلصانه و عمل مخلصانه است. اخلاص یعنی این که انسان، کار را برای خدا و به عشق انجام وظیفه، انجام دهد. انسان برای هوای نفس، برای رسیدن به مال، به ثروت، به مقام، نام نیک، قضاوت تاریخ، برای انگیزه‌های نفسانی، برای اشباع صفت پلید حسد، طمع، حرص، زیاده‌طلبی و افزون‌طلبی کار نکند! کار را برای خدا و محض انجام وظیفه بکند. این، معنای اخلاص است. چنین کاری پیش می‌رود. این‌گونه کاری مثل شمشیر برنده، هر مانعی را از سر راه برمی‌دارد. امام با این سلاح، مجهّز بود. بارها گفت من نسبت به نزدیکترین نزدیکان خود هم، اگر قدمی برخلاف حق بردارند، اغماض نمی‌کنم و همین‌طور هم بود. در مواقع حسّاس نشان داد که آنچه برای او مطرح است، انجام وظیفه است. در آشکار، در خلوت، در کارهای بزرگ و کارهای کوچک، این را نشان داد. این درسی شد برای مریدان، فرزندان و شاگردان امام که با همین سلاح در جبهه‌های جنگ، آن روز آن معجزه‌ها را آفریدند! بعضی از شما در آن میدانها بودید، خودتان از نزدیک آنها را دیدید، بعضی هم شنیدید. امروز هم به همان احتیاج است.

عزیزان من! کسی گمان نکند که توطئه دشمن، با گذشت هجده سال از پیروزی انقلاب، تمام شد؛ نه! دشمن، از مقابله با نظامی که منافع نامشروع استکبار را در منطقه، از او گرفته است، آشتی نخواهد کرد. البته به زبان، چیزهایی اظهار میکنند، ولی باطن، چیز دیگری است!

نظام اسلامی به همت والای ملت ایران و آن رهبری الهی، توانسته است الگویی در دنیا درست کند که امروز بسیاری از ملت‌های مسلمان، به آن الگو نگاه میکنند. شما خیال میکنید که استکبار، از چنین چیزی به آسانی میگذرد؟! امروز در هر جای کشورهای اسلامی و حتی بعضی کشورهای غیر اسلامی، هر ملت و هر جمعیتی که میخواهد علیه زیاده‌طلبیهای استکبار جهانی اعتراضی بکند، با شعار شما ملت ایران - حتی با تمسک به نام ملت ایران و به امام راحل - این کارها را میکنند! امریکا و ایادی استکباری و دنباله‌روها و جیره‌خوارهایش، از این نمیگذرند؛ مبارزه میکنند، توطئه، حيله‌گری، و کید و مکر میکنند. مثل این‌که تا به حال در این هجده سال کردند. البته کید و مکر دشمن، در مقابل آگاهی و بیداری و حضور و فعالیت درست ملت و دولت، خنثی خواهد شد و اثری نمیکند؛ اما باید بیدار بود، باید هوشیار بود، باید رابطه را با خدا قوی کرد، باید اخلاص را تقویت کرد.

۰۵/۰۹/۱۳۷۶

اخلاص و امیرالمؤمنین

آن نکته‌یی که من امروز میخواهم بر روی آن قدری تکیه بکنم، اخلاص امیرالمؤمنین است. ما باید این را جوهر و روح کارهای خودمان قرار بدهیم؛ کم‌این‌که شاید در زندگی علی بن ابی طالب هم اخلاص جوهر و روح کار آن حضرت بود؛ یعنی کار را فقط برای رضای خدا و برطبق تکلیف الهی و اسلامی و بدون هیچ انگیزه‌ی شخصی و نفسانی و امثال اینها انجام میداد. به گمان این‌جانب، در باب شخصیت امیرالمؤمنین، اصل قضیه این است.

امیرالمؤمنین این اخلاص را از دوران کودکی و نوجوانی که اسلام را از پیامبر قبول کرد و سخته‌های آن را به جان خرید، نشان داد. او برای خدا از آسایش محترمانه‌ی یک آفازاده‌ی قریشی صرف نظر کرد و در طول سیزده سال، مبارزات خود را در کنار پیامبر ادامه داد، و بعد هم ماجرای

خوابیدن آن بزرگوار در جای پیامبر در شبی که رسول اکرم از مکه به طرف مدینه هجرت کردند. این خوابیدن امیرالمؤمنین در جای پیامبر، از جمله‌ی کارهایی است که اگر کسی تدبر بکند، درمییابد که بزرگترین فداکاری است که یک انسان میتواند از خود نشان بدهد؛ یعنی به طور قاطع تسلیم مرگ شدن. شب تاریک، دشمن مسلح و خشمگین و آماده‌ی در پشت دیوارها و عازم بر قتل پیامبر که در این بستر باید خوابیده باشد. امیرالمؤمنین آن شب به پیامبر عرض کرد که اگر من در جای تو بخوابم، تو سلامت خواهی جست؟ فرمود: بله. عرض کرد: پس میخوابم. کسانی مثل آن نویسنده‌ی مسیحی که از دین ما خارج هستند و با رؤیت اسلامی و شیعی به امیرالمؤمنین نگاه نمیکنند، میگویند که این کار امیرالمؤمنین فقط قابل مقایسه‌ی با کار سقراط است که برای مصلحت جامعه، به دست خود جام زهر را نوشید؛ یعنی یک فداکاری قطعی. اخلاص، تنها چیزی بود که در آن شب حاکم بود. کسانی که در چنین مواردی به فکر خودشان باشند، در فکر این هستند که از موقعیت استفاده کنند؛ اما او در همین لحظه به فکر نجات جان پیامبر است.

۱۶/۰۱/۱۳۷۰

دعا یکی از دستاورد های اخلاص

سومین دستاورد، دمیدن روح اخلاص در انسان است. با خدا سخن گفتن و خود را نزدیک او دیدن، به انسان روح اخلاص میدهد. اخلاص یعنی کار را برای خدا انجام دادن. همه‌ی کارها را میشود برای خدا انجام داد. بندگان خوب خدا همه‌ی کارهای معمولی روزمره‌ی زندگی را هم با نیت تقرب به خدا انجام میدهند و میتوانند. بعضی هم هستند که حتی قریبترین و عبادیترین کارها - مثل نماز - را نمیتوانند برای خدا انجام دهند. بیاخلاصی، درد بزرگی برای انسان است.

دعا روح اخلاص را در انسان میدمد. ۲۹/۰۷/۱۳۸۴

جبهه ها / اخلاص / قدر جوانی دانستن

ببینید جوانی چه ظرفیتی دارد! ببینید جوانی چه شور و شوق و عظمت و گنجایشی دارد! چطور میشود در جوانی، بالاترین مقامات معنوی را طی کرد؟! یک بار دیگر در زمان ما، در همین جبهه‌هایی که شما آن را تجربه کردید، این اتفاق افتاد. این که امام یک وقت فرمودند «این وصیتنامه‌ها را بخوانید» به همین خاطر است. من چون خودم وصیتنامه‌ها را میخواندم - و الان هم هر وقت به دستم بیاید، میخوانم - فهمیده‌ام که امام چرا این نکته را فرمودند. زیرا در این وصیتنامه‌ها، گاهی مطالبی وجود دارد که یک دنیا عرفان حقیقی و ناب است. یعنی حتی عرفای برخوردار از علوم دینی و علوم ظاهری، که طبعاً امکان عروج و رشدشان بیشتر است و قهراً پاکیزه‌ترند - نه یک عارف سالکی که معرفتی از لحاظ علوم دینی ندارد - آنچه را که بعد از مثلاً چهل، پنجاه سال مجاهدت، در سن هفتاد سالگی، هشتاد سالگی احساس و درک و مشاهده میکنند، یک جوان به برکت فداکاری مخلصانه، در مدت چند ماه به دست می‌آورد. چیز عجیبی است! ببینید چطور نعمت الهی، بیدریغ به سمت دل‌های با اخلاص روانه میشود!

عزیزان من! اخلاص چیز خیلی مهمی است؛ اخلاص را فراموش نکنید. هر کاری میکنید، با اخلاص باشد. اخلاص، یعنی هیچ انگیزه دیگری را جز انگیزه الهی و رضای پروردگار و انجام مأموریت و مسؤولیت خدایی، وارد کار نکنید. این معنایش اخلاص است. این اخلاص، برکت عجیبی دارد؛ اثر طبیعی دارد. یکی از آثارش همین است که ناگهان یک سیر طی‌الارض و سمایی برای ارواح مستعد به وجود می‌آورد و در طول مدت کوتاهی، این جوان هجده ساله، بیست ساله سیر میکند و حرفه‌هایی میزند که انسان وقتی این حرفها را نگاه میکند، میفهمد که اینها حرف آدم معمولی نیست. نمیشود کسی که چیزی را نمیبیند، به این وضوح از آن حرف بزند.

در طول هشت سال یا بیشتر، در این جبهه‌های نبرد، چشمه‌های معرفت و بصیرت و نورانیت در دل‌های این جوانان باز شد؛ چیزها دیدند، چیزها فهمیدند، مقاماتی را طی کردند، عروج کردند و به چیزهایی رسیدند که اگر به هر سالکی که اهل علم و معرفت هم باشد، بگویند شما چنانچه

بیست سال، سی سال عبادت کنید و مخلصانه کار کنید و زحمت بکشید، به این جا میرسید، با شوق و ذوق خواهد رفت. اینها به برکت اخلاص فداکارانه در دوران جوانی است. این جوانی، چنین گوهر قیمتی و چنین جواهری است؛ قدرش را بدانید.

قدر این جوانی را بدانید که صفا و نورانیت و معرفت و سلوک و عروج و خدایی شدن و همه این چیزها، در دوران جوانی آسان به دست می‌آید. درست مثل دستاوردهای دنیوی که در دوران جوانی آسانتر از دوران کهولت به دست می‌آید، مقامات معنوی نیز همین‌طور است. جوانی را قدر بدانید و آن را در همین راه درستی که شما در آن حرکت میکنید، مخلصانه و صادقانه به کار بیندازید.

۲۶/۰۶/۱۳۷۶